

الله الرحمن الرحيم

به نام خدا

عربی نهایی ۲۰

(یازدهم تجربی و ریاضی)

مولفان :

پیروز وجان

دکتر محبوبه پارسایی / مریم خالقی

فاطمه یوسفی مگامیر / آسیه گوک آتابای

شهناز فریادی / فاطمه لک زاد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: عربی نهایی ۲۰ (یازدهم تجربی و ریاضی)/تالیف پیروز وجان...[و دیگران].
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۱۶۴ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۶۸-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا مختصر

یادداشت: تالیف: پیروز وجان، محبوبه پارسایی، مریم خالقی، فاطمه یوسفی مگامیر، آسیه گوک آتابای، شهناز فریادی و فاطمه لک زاد.

شناسه افزوده: وجان، پیروز، ۱۳۵۸-

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۳۸۷۸۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: عربی نهایی ۲۰ (یازدهم تجربی و ریاضی)

مولفان: پیروز وجان - دکتر محبوبه پارسایی - مریم خالقی - فاطمه یوسفی مگامیر

آسیه گوک آتابای - شهناز فریادی - فاطمه لک زاد

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرا: سولماز مدرسی

طراح روی جلد: فرید کر

ویراستار علمی و ادبی: پیروز وجان

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زیر جلد

قیمت: ۳۱۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۶۸-۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

- بخش اول: قواعد ۵
- الدرسُ الأوَّل: اسم التفضيل ۶
- الدرسُ الثاني: اسم الفاعل، اسم المفعول، اسم المبالغة ۸
- الدرسُ الثالث: أسلوب الشرط و أدواته ۹
- الدرسُ الرابع: المعرفة والنكرة و ترجمة الفعل المضارع (١) ١١
- الدرسُ الخامس: الجملة بعد النكرة (الجملة الوصفية) ١٢
- الدرسُ السادس: ترجمة الفعل المضارع ١٣
- الدرسُ السابع: ترجمة الفعل المضارع ١٤
- الدرسُ الثامن: الافعال الناقصة ١٥
- بخش دوم: تحليل كتاب بر اساس محورهای سؤالات امتحان نهایی ١٦
- الدرسُ الأوَّل: من آيات الأخلاق ١٧
- الدرسُ الثاني: في محضر المعلم ٢٩
- الدرسُ الثالث: عجائب الأشجار ٤١
- الدرسُ الرابع: آداب الكلام ٥٢
- الدرسُ الخامس: الكذب مفتاح لكل شر ٦١
- الدرسُ السادس: أنه ماری شيميل ٧١
- الدرسُ السابع: تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية ٨١
- بخش سوم: سؤالات درس به درس ١ ٩٣
- بخش سوم: سؤالات درس به درس ٢ ١٢٦
- نهایی خرداد ١٤٠٣ ١٥٥

امتحانات نهایی و ارزش نمرات کسب شده در آن، چند سالی است که چالش بزرگی برای همکاران و دانش آموزان ایجاد کرده است که موفقیت در آن می تواند در تعیین سرنوشت یک دانش آموز با توجه به کسب نمرات خوب و در نهایت قبولی در رشته خوب خیلی حائز اهمیت باشد. منتهی تغییر رویکرد طراحی سؤالات و مفهومی شدن آن و روش تصحیح دقیق بصورت الکترونیکی، کسب نمره دلخواه و تراز خوب سوابق تحصیلی را دشوار نموده است. پس برای کسب موفقیت در پاسخگویی صحیح به سؤالات لازم است که دانش آموز بر کتاب درسی و محتوا و مفاهیم آن کاملاً مسلط بوده و قادر باشد به هر تیپ سوالی با تغییرات فراوان از محتوای کتاب درسی پاسخگو باشد و این مطمئناً نیاز به کتابی دارد که جزء به جزء مطالب کتاب را تشریح کند و مطابق با آن، عبارت‌ها و شاهد مثال‌های خوبی مطابق با سؤالات نهایی و حتی سخت‌تر از آن جهت آمادگی بیشتر ارائه دهد. من و اساتید بزرگوار از نقاط مختلف کشور تصمیم گرفتیم کتابی تحت عنوان **نهایی ۲۰** برای تمام پایه‌های متوسطه دوم تالیف کنیم تا پاسخگوی این نیاز شما بوده و بتواند شما را بر محتوای کتاب مسلط کند به گونه‌ای که مفهومی شدن سؤالات و تغییر عبارات کتاب توسط طراح سوال در امتحان نهایی نتواند مشکلی برای شما عزیزان ایجاد کند در پایان می‌خواهم به برخی ویژگی‌های کتاب که می‌تواند آن را از سایر کتاب‌ها متمایز کند، اشاره کنم:

۱- بررسی خلاصه‌ای از مباحث مورد نیاز قواعد پایه عربی متوسطه اول

۲- توضیح کامل قواعد درس بصورت خلاصه و مفید

۳- تحلیل کل کتاب درسی (کلمه به کلمه) جهت توانمندی بر پاسخگویی به سؤالات مفهومی

۴- سؤالات درس به درس استاندارد مطابق با آزمون‌های نهایی (هر درس ۲ سوال)

۵- تحلیل سؤالات نهایی

این کتاب می‌تواند خواسته شما را در درس عربی برآورده کند. آرزوی قلبی من و همکارانم موفقیت و سربلندی همه شما عزیزان است.

با آرزوی سلامتی و سربلندی: پیروز وجان



بخش اول:
قواعد

الدرس الأول اسم التفضيل **من آيات الأخلاق**

اسم تفضیل: اسمی است که برتری دهنده اسمی بر یک یا چند اسم دیگر از نظر معنا است و بر دو وزن:

مذکر: أفعال أحسن: بهتر و بهترین أكبر: بزرگتر و بزرگترین أقصى: دورتر و دورترین
 مؤنث: فُعَلَى حُسْنَى: كُبْرَى: قُصْوَى:

* ۱- وزن أفعال بر رنگ و عیب دلالت کند اسم تفضیل نیست.

أبيض (بیضاء): سفید أسود (سوداء): سیاه أحمر (حمراء): سرخ
 أصفر (صفراء): زرد أخضر (خضراء): سبز أزرق (زرقاء): آبی
 أبکم (بکماء): لال أصمّ (صماء): کر أعور (عوراء): کور
 أعمى (عمياء): کور أعرج (عرجاء): لنگ أحمق (حمقاء): نادان

* ۲- وزن فُعَلَى مؤنث اسم تفضیل را با فَعَلَى اشتباه نگیرد.

عطشى: تشنه جوعى: گرسنه

* ۳- وزن فُعَلَى همیشه اسم تفضیل است و برای مؤنث استفاده می شود.

فاطمة الكبرى المدينة الفضلى زينب الصغرى

* ۴- وزن افعال هرگاه بعدش (من یا اسم مجرور «ین» باشد اسم تفضیل است.

هو أكبر منى احسن التلاميذ افضلهم فى الاخلاق على من افضل الطالبين

* ۵- وزن افعال هرگاه بعدش اسم مرفوع «ان - ون» یا اسم منصوب «- ين» باشد اسم تفضیل نیست و فعل است.

أحسن الطالب صديقه انا أحسن الفقراء

* ۶- در حالت مقایسه برای مذکر و مؤنث از افعال استفاده می شود.

هذه البنت أكبر من تلك البنت فاطمة أصغر من رقية

* ۷- اسم هایی چون (أحب، أشد، أقل، أمد، أهم، أحر، أرق، أعلى، أقوى، أبقى، أقصى، أزكى، أنمى، أسنى به ترتیب

محبوبترین و سخت ترین و کمترین و مهمترین و گرم ترین و نرم ترین و گران ترین و بلندترین و قوی ترین و ماندگارترین و دورترین و پاکترین و بالنده ترین و بلندترین «با تر» می تواند معنا دهد و اسم تفضیل باشد) چون برخی از این کلمات به عنوان فعل هم استفاده می شوند.

أحبُّ عبادِ الله الى الله أنفعهم لعباده: محبوبترین بندگان خدا أحبُّ عبادِ الله: بندگان خدا را دوست دارم

* ۸- البته حرکت (ا) در وزن أفعل تفضیل همیشه «ا» است پس کلمه‌ای چون «أحبُّ» مشخص است که اسم تفضیل نیست.
 * ۹- گاهی کلمات (خیر و شر) هم در معنای تفضیل به کار می‌روند که در اصل «أخیر و أشر» بوده‌اند که برای تشخیص می‌توانیم از تکنیک قسمت ۴ استفاده کنیم.

خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلَةٌ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا حَىَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

* ۱۰- کلمات خیر و شر هرگاه «ال» بگیرند یا بعد از لا نفی للجنس باشند و یا صفت واقع شوند اسم تفضیل نیستند.

أَحَبُّ الْعَمَلِ الْخَيْرِ لَا خَيْرَ فِي مُجَالَسَةِ الْبَخِيلِ

* ۱۱- جمع اسم تفضیل بر وزن «افاعل» است و در صورتی اسم تفضیل است که معنای تفضیلی داشته باشد.

أكبر: أكابر (بزرگترها) أصغر: أصاغر (کوچکترها) أرذل: أرذل (فرومایه‌ترها) أفضل: أفضل (شایسته‌ترها)

* ۱۲- کلماتی چون (أماکن و أراضی) اسم تفضیل نیستند.

* ۱۳- هرگاه بعد از اسم تفضیل حرف جر «من» باشد بصورت «تر» و اگر مضاف الیه باشد بصورت «ترین» ترجمه می‌شود.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا: بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست. آسیا أكبر من أوروبا: آسیا از اروپا بزرگتر است.

اسم المكان

اسم المكان: بر مکان دلالت دارد و بر وزن‌های «مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

مَلْعَب: ورزشگاه مَنْزِل: خانه مَدْرَسَة: مدرسه مَصْنَع: کارخانه مَوْقِف: ایستگاه

* ۱- گاهی برخی از این وزن‌ها بر زمان نیز دلالت دارد که در این صورت اسم مکان نیست.

وَصَلْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ عِنْدَ الْمَغْرَبِ هنگام غروب به شهر رسیدم.

* ۲- اسم مکان در عربی علاوه بر معنای مکانی حتماً بر این سه وزن باید باشد پس اسم شهر و کشور و مکان خارج از این اوزان اسم مکان نیست.

بیتَ طهران دار ایران معنای مکان دارند ولی اسم مکان نیستند.

* ۳- جمع اسم مکان بر وزن مَفَاعِل است.

مَلْعَب: ملاعب مَنْزِل: منازل مَدْرَسَة: مدارس مَصْنَع: مصانع مَوْقِف: مواقف

* ۴- همه کلماتی که بر وزن مفاعل هستند اسم مکان نیستند پس علاوه بر این وزن باید معنای مکان نیز داشته باشند.

مَطَالِب: جمع مطلب مَشَاكِل: جمع مُشَكِّل (اسم فاعل)

الدرسُ الثانی اسم الفاعِل، اسم المفعول، اسم المبالغة من آیات الأخلاق

اسم الفاعل: صفت فاعلی در زبان عربی به دو صورت ساخته می‌شود.			
تلاشی مجرد: از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «فَاعِل» ساخته می‌شود.	عالم «عَلِمَ»	ضاحک «ضَحِكَ»	
* جمع وزن فاعل غالباً بر وزن‌های زیر خواهد بود که آنها را جزء وزن فاعل حساب کنید.			
الف- فَعَال: مثل ← طالب (طَلَّاب)	جاهل (جُهَّال)	کاتب (کَتَّاب)	حاضر (حَضَّار)
ب- فُعَل: مثل ← راکع (رُكَّع)	ساجد (سُجَّد)	شاهد (شُهِد)	غائب (غُیَّب)
ج- فُعَلَة: (فُعَاة) مثل ← داعی (دُعَاة)	طاغی (طُغَاة)	قاضی (قُضَاة)	رامی (رُمَاة)
د- فُعَلَاء: مثل ← عالم (عُلَمَاء)	جاهل (جُهَلَاء)	صالح (صَلَحَاء)	عاقل (عُقَلَاء)
تلاشی مزید: از فعل ثلاثی مزید حرف اول (م) و حرف وسط (ی) خواهد بود.			
مُرْسِل (أرسل)	مُجْتَهِد (اجتهد)	مُنْتَظِر (انتظر)	مُعِيد (أعاد)
			مُسْتَقِيم (استقام)
اسم المفعول: صفت مفعولی در زبان عربی به دو صورت ساخته می‌شود.			
۱- ثلاثی مجرد: از فعل ثلاثی مجرد غالباً بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود.	معلوم (عَلِمَ)	مجهول (جَهَل)	
۲- ثلاثی مزید: از فعل ثلاثی مزید حرف اول (م) و حرف وسط (ا) خواهد بود.			
مُرْسَل (ارسل)	مُسْتَخْرَج (استخرج)	مُحْتَرَم (احترم)	مُعَاد (إعاد)
			مُطَاع (إطاع)
* در ترجمه اسم فاعل غالباً از پسوند (نده) و اسم مفعول از پسوند (شده) استفاده می‌کنیم.			
مُرْسِل (ارسال کننده)	مُرْسَل (ارسال شده)	مُحْتَرَم (احترام گذارنده)	مُحْتَرَم (احترام شده - مورد احترام)
* از فعل‌های لازم اسم مفعول ساخته نمی‌شود و اسم فاعل آن مثل اسم مفعول ترجمه می‌شود.			
			مُنْتَشِر: (پخش شده)
اسم المبالغة: در عربی بر دو وزن (فَعَال - فَعَالَة) می‌آید و در سه حالت زیر کاربرد دارد.			
۱- صفت: عَلَام: بسیار دانا	سَنَار: بسیار پوشاننده		
۲- آله و ابزار: سَيَّارَة: اتومبیل	نَظَّارَة: عینک		
۳- حرفه و شغل: حَدَّاد: آهنگر	خَبَّاز: نانوا		
* در ترجمه مورد اول (صفت) از بسیار استفاده می‌کنیم /			
* وزن فَعَال (اسم مبالغة) با فُعَل (جمع فاعل) اشتباه نشود.			

ادوات شرط: مَنْ (هرکس، کسی که) / ما (هرچه، چیزی که) / إِنْ (اگر، چنانچه) / إِذَا (هرگاه، اگر)

هرگاه این کلمات در ابتدای جمله واقع شوند و بلافاصله بعدشان یک فعل ماضی یا مضارع و در ادامه فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و یا جمله اسمیه در جواب آن بیاید اسلوب شرط بوده و فعل اول را فعل شرط و فعل دوم یا جمله اسمیه را جواب شرط می گویند.

إِنْ تَحْتَرَمُوا الْآخَرِينَ تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ

ادات / فعل شرط / جواب شرط

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِبًا

ادات / فعل شرط / جواب شرط

{مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ} (إِنْ: حرف است و بقیه اسم بحساب می آیند)

ادات / فعل شرط / جواب شرط

* ۱- هرگاه فعل و جواب شرط مضارع باشد مجزوم می شود و اما ماضی باشد تغییری در آخر فعل صورت نمی گیرد چون یک کلمه مبنی است.

إِنْ صَبَرْتَ حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ (ماضی)

ماضی / ماضی

مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ (مضارع)

مضارع / مضارع

* ۲- اگر جواب شرط «امر و نهی یا مستقبل و یا ماضی مقرون به قد و یا جمله اسمیه» باشد با فاء جزاء می آید.

مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوا

جواب شرط (مستقبل منفی)

مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا

جواب شرط (ماضی نقلی)

مَنْ يَصْدُقْ دَائِمًا فَهُوَ إِنْسَانٌ حَسَنٌ

جواب شرط (جمله اسمیه)

إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ

جواب شرط (امر)

* ۳- هرگاه قبل از فعل دوم اسم موصول (الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ، اللَّاتِي) حروف (أَنْ - حَتَّى - ل) کلمه پرسشی (مَنْ و ما و این و متی و کیف و ...) حرف عطف (و - بل - لكن - ام - او) بیاید جواب شرط نبوده و فعل و یا جمله اسمیه بعدش جواب شرط خواهد بود و چنانچه فعل و یا جمله اسمیه ای بعد آن نباشد پس اسلوب شرط نیست.

إِنْ تَحْتَرِمَ عَلَى الْمَعْلَمِ الَّذِي قَدْ أَرشَدَكَ إِلَى خَيْرٍ سَبِيلٍ فَسَوْفَ يَحْتَرِمُكَ تَلَامِيذُكَ.

جواب شرط يحترم

جواب شرط

فعل شرط

مَنْ يُرِدُ أَنْ يَحْصُلَ النَّجَاحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْتَهِدْ كَثِيرًا (جواب شرط فليجتهد) مَنْ صَبَرَ وَاجْتَهَدَ فِي أُمُورِهِ حَصَلَ عَلَيْهِ اهْتِدَائِهِ
 فعل شرط جواب شرط فعل شرط جواب شرط

مَنْ سَاعَدَ الشَّخْصَ الَّذِي طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ (من: استفهام) اسلوب شرط نیست.

(در این عبارت چون بعد طلب که بعد از الّذی آمده، فعل یا جمله اسمیه نیست پس اسلوب شرط نبوده و مَنْ شرطیه نیست و استفهام است)

* ۴- مَنْ و ما شرطیه و استفهام هر دو در ابتدای جمله می آید و شرطیه بعدش دو فعل یا جمله می آید اما مَنْ و ما پرسشی چنین ویژگی ندارد همانند عبارت بالا. (و مَنْ و ما موصول غالباً در وسط جمله می آید) أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّنِي (موصول)

* ۵- هرگاه فعل شرط مضارع باشد بصورت مضارع التزامی و ماضی باشد بصورت گذشته یا مضارع التزامی می توانیم ترجمه کنیم.

مَنْ يَصْبِرُ عَلَى الشَّدَائِدِ يُفْزَ هِرْكَس بر سختی ها صبر کند پیروز می شود.

فعل شرط جواب شرط

إِنْ صَبِرْتَ حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ اگر صبر کردی موفقیت بدست آوردی (اگر صبر کنی موفقیت بدست می آوری).

فعل شرط / جواب شرط

* ۶- هرگاه جواب شرط مضارع باشد بصورت مضارع اخباری و ماضی باشد بصورت گذشته و اخباری می توانیم ترجمه کنیم اما هرگاه جواب شرط (مستقبل، امر و نهی - ماضی مقرون به قد و جمله اسمیه باشد به اسلوب خود ترجمه می شود.

مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا غَالِبًا هِرْكَس قبل از سخن بیندیشد غالباً از خطا سالم می ماند.

فعل شرط جواب شرط

مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَلَ الْخُسْرَانُ هِرْكَس دشمنی بکارد زیان درو می کند (هرکس دشمنی کاشت زیان درو کرد)

فعل شرط / جواب شرط

مَنْ يَجْتَهِدُ فِي إِدَاءِ وَاجِبَاتِهِ فَسَوْفَ يَصِلُ إِلَى اهْتِدَائِهِ هِرْكَس در انجام وظایفش تلاش کند به اهدافش خواهد رسید.

فعل شرط جواب شرط

مَنْ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا فَهُوَ مُؤَحَّدٌ هِرْكَس چیزی را برای خدا شریک قرار ندهد پس او یکتاپرست است.

فعل شرط جواب شرط



النكرة: اسمی ناشناخته برای شنونده است که معمولاً با تنوین « ُ » و بدون ال می آید.

جاء رَجُلٌ رأيتُ مُعلِّماً سافرتُ إلى قريةٍ أنقذتُهُ من بحرٍ عميقٍ

المعرفة: اسمی شناخته شده برای شنونده است و با توجه به کتاب درسی دارای دو نوع است:

* ۱- **معرفه به ال:** هرگاه اسم جنس ال تعریف بگیرد در واقع با ال معرفه شده است.

جاء الرَّجُلُ رأيتُ المُعلِّمَ سافرتُ إلى القريةِ أنقذتُهُ من البحرِ العميقِ

* ۲- **معرفه به علم (اسم خاص):** غالباً مربوط است به اسم اشخاص و شهر و کشور و قبیله و اسم‌های خاص شده از یک جنس.

جاء عليٌّ زرتُ المَكَّةَ سافرتُ إلى طَهْرانَ ذَهَبنا إلى بحرِ خَزَرٍ

* اسم علم و خاص چه تنوین بگیرد و چه ال، معرفه به علم یا اسم خاص بحساب می آید.

مُحَمَّدٌ رسولُ اللَّهِ الحَسَنُ وَ الحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ اهلِ الجَنَّةِ

* دقت کنید که «ال» باید زائد بر حروف اصلی باشد پس اسم‌هایی چون «الوان، الهام، التزام، التهَاب، التفات، التفاف، البسة، التام، التقاط و ... چنین اسم‌هایی که «ل» جزء حروف اصلی هستند در این حالت نکره بحساب می آیند و با گرفتن «ال» معرف می شوند **الالتفات**

* گاهی اسم نکره به اسمی معرفه اضافه می شود در این صورت هر چند کتاب بحثی از آن نداشته آن را معرفه در نظر بگیرید.

کتابُ مُحَمَّدٍ (کتاب: اسم نکره و مضاف / مُحَمَّد: اسم معرفه و مضاف الیه = پس کتاب معرفه است)

مُعَلِّمُ المَدْرَسَةِ (معلم: اسم نکره و مضاف / المَدْرَسَةُ: اسم معرفه و مضاف الیه = پس معلم معرفه است)

* هرگاه اسم علم به عنوان صفت و در معنای وصفی باشد دیگر علم نیست. هُوَ رَجُلٌ سَعِيدٌ (سعید: خوشبخت)

* هرگاه اسم علم «ی نسبت» بگیرد دیگر معرفه به علم نیست. العِراقُ: (علم) العِراقِیُّ (معرفه به ال) عِراقِیُّ: نکره)

* اسم نکره هرگاه برای بار دوم در جمله بعد تکرار شود با ال معرفه می شود.

جاءَ رَجُلٌ إلى المَدِينَةِ وَ سَلَّمَ النَّاسُ عَلَی الرَّجُلِ

* در ترجمه فارسی اسم نکره از (ی - یک) استفاده می شود. جاءَ رَجُلٌ: مردی / یک مرد آمد.

* اگر اسم نکره خبر مفرد بدون صفت باشد بصورت معرفه ترجمه می شود. الحِکْمَةُ کَنْزٌ: حکمت گنج استو

* هرگاه موصوف و صفت هر دو نکره باشد یکی از آنها با ی ترجمه می شود.

رجالٌ مُجْتَهِدُونَ: مردانی تلاشگر / مردان تلاشگری

* در ترجمه اسم ال دار که در جمله دوم تکرار شده است از (آن - این) استفاده می کنیم.

جاءَ رَجُلٌ إلى المَدِينَةِ وَ سَلَّمَ النَّاسُ عَلَی الرَّجُلِ: مردی به شهر آمد و مردم به آن مرد سلام دادند.

* اسم ال دار قبل از موصول (الذی، الّتی و ...) بصورت نکره ترجمه می شود. التَّلْمِیذُ الذِّی: دانش آموزی که

آداب الكلام	الجملة بعد النكرة (الجملة الوصفية)	الدرس الخامس
-------------	------------------------------------	--------------

الجملة الوصفية: هرگاه بعد از اسم نکره جمله‌ای بیاید که درباره اسم نکره توضیح بدهد آن جمله صفت است برای اسم نکره و در چنین حالتی بین اسم نکره و جمله در ترجمه از حرف ربط «که» استفاده می‌شود.

أحبُّ تلميذاً يَحْتَرُمُ المعلمينَ دوست دارم دانش آموزی را که به معلمان احترام بگذارد.
اسم نکره / جمله بعد نکره (وصفیه)

* حتماً قرار نیست که جمله وصفیه بلافاصله بعد از اسم نکره واقع شود و ممکن است کلماتی بینشان فاصله بیندازند مهم این است که ارتباط جمله با اسم نکره برقرار باشد.

عَصَفَتْ رِيحٌ شديدةٌ في قرينتنا في السنة الماضية قَدْ خَرَبَتْ بيوتاً كثيرةً. (رياحٌ - قد خَرَبَتْ)
سال قبل بادهای شدیدی در روستای ما وزید که خانه‌های زیادی را خراب کرده بود.

* بعد از اسم نکره هرگاه فعل با حرف عطف (و... و حروف ناصبه (حتی - ل - أن ... بغیر لن) همراه باشد جمله وصفیه بحساب نمی‌آید.

أتيتُ الى مدرسةٍ لأتعلّم فيها درسَ الحياة. أتيتُ الى مدرسةٍ وَتعلّمتُ فيها درسَ الحياة.
به مدرسه‌ای آمدم تا در آن درس زندگی را یاد بگیرم. به مدرسه‌ای آمدم و درس زندگی را یاد گرفتم.

ترجمه جمله وصفية:

۱- ماضی + اسم نکره + مضارع = ماضی استمراری: رأيتُ وكدأ يمشي بسرعة (دیدم پسری را که به سرعت راه میرفت)
ماضی / اسم نکره / مضارع

۲- ماضی + اسم نکره + ماضی = ماضی بعید: رأيتُ وكدأ قد مشى بسرعة (دیدم پسری را که به سرعت راه رفته بود)
ماضی / اسم نکره / ماضی

۳- مضارع + اسم نکره + مضارع = التزامی یا اخباری: أرى وكدأ يمشي بسرعة (می‌بینم پسری را که به سرعت راه می‌رود (برود))
مضارع / اسم نکره / مضارع

۴- اسم نکره + فعل = به اسلوب فعل:

عالمٌ يُنتفعُ بعلمه خيراً من ألف عابدٍ (دانشمندی که از علمش بهره برده شود بهتر از هزار عبادت کننده است).
اسم نکره / مضارع مجهول

الدرس السادس ترجمة الفعل المضارع الكذب مفتاح لكل شر

* مضارع منصوب: هرگاه قبل از فعل مضارع یکی از حروف ذیل بیاید آن را منصوب (َ - حذف نون بغير ۶ و ۱۲) می کند و ساختار و ترجمه آنها مطابق با قواعد زیر خواهد بود:

۱- أن: (که) + مضارع = التزامی

أن يجلس: که بنشیند / أن يجلسوا: که بنشینند / أن يكتبن: که بنویسند / أن ترجعوا: که برگردید / أن تلعبا: که بازی کنید

۲- حتى، حتى: (تا) + مضارع = التزامی

حتى يتعلموا: تا یاد بگیرند / حتى يجلسوا: تا بنشینند / لكي تذهبوا: تا اینکه بروید / حتى أذهب: تا بروم / حتى يحكم: تا داوری کند

۳- ل: (تا، برای) + مضارع = با فعل مضارع غالباً در وسط جمله می آید.

يذهبُ التلميذُ ليتعلم: دانش آموز می رود تا یاد بگیرد / ليجلسن: برای اینکه بنشینند / ليطالعوا: تا مطالعه کنند / ليذهب: تا برود / لنلعب: تا بازی کنیم

۴- كن: (هرگز یا بدون هرگز + مضارع = مستقبل منفي)

كن أسافر الى تلك المدينة: هرگز به آن شهر سفر نخواهم کرد / كن نقرأ: نخواهیم خواند / كن نرجع: بر نخواهیم گشت / كن نستلم: دریافت نخواهیم کرد / كن يحاولوا: تلاش نخواهند کرد